فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۱۹-۳۰۳
New Period 4, No 32, 2021, P 303-319
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

تاثیر شبکه های اجتماعی موبایل محور بر مشارکت سیاسی در عصر حاضر

دکتر رضا پریزاد[۱]. محمدتقی پور طاهر[۲]
۱. عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران
۲. دانشجوی دکترا، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران

چکیده
با گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی، محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی به بررسی تاثیرات مختلف این شبکه‌ها پرداخته و آن را از منظرهای مختلف واکاوی نموده اند. حال این سوال مطرح می‌شود که تاثیرات سیاسی این شبکه‌ها به چه صورت خود را نمایان می‌سازد؟ فرضیه این مقاله آن است که شبکه‌های اجتماعی در عصر کنونی تاثیرات بسزایی بر مسائل سیاسی بویژه مشارکت سیاسی دارد. که بسته به یژگی‌های مخاطب و نحوه استفاده او مثبت یا منفی خواهد بود. در این مقاله ما درصدد بررسی کم و کیف تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر روی مشارکت سیاسی هستیم و این تاثیر را از دو جنبه منفی و مثبت بررسی می‌کنیم. همچنین با بررسی مساله از منظر محققان علوم اجتماعی، امکانات سیاسی تکنولوژیک شبکه‌های اجتماعی در حوزه مشارکت، چون امکان بحث‌های آنلاین، تشکیل گروهها و دسترسی به اخبار معتبر سیاسی را روشن می‌کنیم. سپس امکانات تعاملی این شبکه‌ها چه به صورت بین فردی و چه به صورت تعامل با نظام سیاسی را تشریح کرده و به توضیح دو نمونه از این تعامل یعنی بررسی جنبش‌های اجتماعی (تعامل از پایین) و نحوه حکومت‌داری خوب (تعامل از بالا) و تاثیر رسانه‌های اجتماعی بر این دو مورد می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: شبکه اجتماعی، مشارکت سیاسی، رسانه های نوین، اینترنت، اجتماعات مجازی سیاسی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مقدمه

مفهوم مشارکت سیاسی در عصر اطلاعات و گسترش ارتباطات دیجیتال، تبدیل به موضوعی حساس با مفهومی چندگانه شده است. با تغییر نوع زندگی شهروندان و ایجاد سبک جدید زندگی، مبتنی بر وب و فضای مجازی، درگیری شهروندان در فضای مجازی و ایجاد اجتماعات دیجیتال، زندگی سیاسی شهروندان نیز با تاثیر از این سبک زندگی، شکل و سیاق جدیدی هماهنگ با این نوع از زندگی یافته است. با گسترش این نوع از رسانه های نوین با ویژگی های خاص خود چون تعاملی بودن، امکان ایجاد رابطه دو یا چند سویه و بازخوردی فراهم گردیده است. چنین امکانی اکنون با ایجاد شبکه‌های اجتماعی سهل و آسان‌تر نیز شده است (بابایی، ۱۳۹۱: ۶).

مهمترین عاملی که نقش رسانه نوین را از سایر وسایل سنتی متمایز می سازد، قابلیت مبادله هم زمان اطلاعات است. این ویژگی در سایر وسایل ارتباط جمعی تقریبا وجود ندارد. عامل بعدی میزان اطلاعاتی است که در واحد زمان ارسال می‌شود. همچنین امکان چند رسانه ای بودن، آن را تا حد یک پدیده کاملا انحصاری از سایر پدیده ها جدا می‌سازد. آخرین عامل، عدم امکان کنترل موثر تکنیکی و حقوقی در شرایط حاضر است. فناوری‌های مبتنی بر وب و ایجاد پلتفورم های اجتماعی شبکه‌های اجتماعی مجازی، به لحاظ عمومیت یافتن و محبوبیت در میان کاربران، فضاهای سنتی را درنوردیده و با کوچک کردن فضا، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ بودن از کنترل موثر از سوی مراجع قدرت، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تغییر یافته و زمینه‌های تاثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به‌وجود آورده‌اند (حافظ نیا،۱۳۹۱: ۱۳۳).

اینترنت دارای قابلیتی است که به‌واسطه آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در دنیاهای جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلا وجود خارجی نداشته باشند، یا فرد به‌زعم خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. این موارد استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب‌تر میکند (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۵۶). بنابراین روز به روز قشرهای مختلف از پایگاه‌های اجتماعی گوناگون وارد این شبکه‌ها می‌شوند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که میان گسترش رسانه‌ها و توسعه فرهنگ مردم سالارانه در یک کشور رابطه وجود دارد؛ به طوری که برخی محققان معتقدند رسانه‌ها عنصر مهم مردم سالاری را تشکیل می‌دهند. اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسورگریزی، فضای مناسبی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی، در جوامع پیشرفته و تقویت مردم‌سالاری جوان در جوامع در حال توسعه به وجود آورده است (مسعود نیا، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

اما محققانی نظیر پوتنام از تاثیر منفی رسانه های ارتباطی جمعی در فرایند اجتماعی شدن و بسیج سیاسی شهروندان بحث می‌کنند و نشان می‌دهند که رسانه‌ها به خصوص تلویزیون به طور بالقوه به انفعال شهروندان منجر می‌شود. بسیاری از محققان عقیده دارند که تکنولوژی‌های رسانه ای جدید موضوعات

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

جدیدی را پیش کشیده‌اند که باعث سازماندهی دوباره تعلقات سیاسی پیشین شده است. فرض اساسی اثرات سیاسی رسانه، این مساله است که رسانه‌های اجتماعی، فراهم کننده اطلاعات مقدماتی سیاسی است. همفکری با دیگران در آخر باعث رسیدن به یک توافق پایه‌ای در مورد واقعیت‌های اجتماعی می‌شود (همان: ۱۷۳).

اینترنت با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی- اجتماعی در فضای مجازی و سایبرنتیکی خود، از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی- اجتماعی و فرهنگی، باورها و عقاید کنشگران گوناگون است و از سوی دیگر منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی- اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض‌ها به شمار می‌رود (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲). استفاده زیاد از اینترنت با توجه به جوان بودن و تحصیلات بالای اکثر کاربران، باعث گسترش اعتماد و ارتباط سیاسی بین شهروندان می‌شود. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز به طور کلی با اهدافی از قبیل سازماندهی انواع گروه های اجتماعی مجازی، توسعه مشارکت‌های اجتماعی و به اشتراک گذاری علاقه‌مندی‌ها، باعث می‌شود کاربران علایق و دل مشغولی‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. یکی از تاثیرات شبکه‌های اجتماعی، شکل‌گیری مفاهیمی چون صمیمیت و اعتماد در فضای سایبر است. مفاهیمی که در گذشته دستیابی به آنها در حد یک رویا بوده است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۴).

مزایای شبکه های اجتماعی که باعث استقبال از آنها شده است شامل موارد زیر است: انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی (هر چند امکان انتشار اطلاعات نادرست وجود دارد، اما مخاطب می‌تواند اطلاعات را در پایگاه‌های مختلف با هم مقایسه کند و حتی میتواند از این طریق قدرت نقد و تحلیل خود را افزایش دهد)، شکل گیری و تقویت خرد جمعی که به عنوان یک پردازشگر بزرگ عمل می‌کند (نیروی ذهن و تفکر کاربران شبکه های اجتماعی با یکدیگر ترکیب می‌شود و نیروی بزرگی را ایجاد می‌کند).

۱- شبکه اجتماعی (آنلاین)

شبکه اجتماعی آنلاین در ذیل مفهوم رسانه اجتماعی قرار می‌گیرد که البته عمده بار مفهومی این اصطلاح مربوط به شبکه‌های اجتماعی است. تعاریف موجود از رسانه اجتماعی بسیار متنوع است. اغلب این تعاریف بر دو عنصر اشتراک گذاری و تعامل تاکید دارند. برخی از تعاریف تولید و انتشار محتوا را برجسته‌تر کرده‌اند و رسانه های اجتماعی را رسانه ای دانسته اند که امور تولید ویدئو، صدا، متن یا چند رسانه ای در آن توسط کاربران انجام می‌شود و در محیط اجتماعی مجازی مشترک بین افراد به اشتراک گذاشته می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

رسانه اجتماعی نرم افزاری است که افراد را قادر می‌کند تولیدات خود را به صورت آنلاین و مستقیم انتشار دهند و امکان ایجاد اجتماعات بین افراد و سازمان‌ها را بدون فیلتر امکان‌پذیر می‌کند. رسانه اجتماعی برای اهداف متفاوتی به کار برده می‌شود و سکویی برای معرفی خود، و ابزاری برای مدیریت روابط و اطلاعات ارائه می‌کنند.

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار چیای بارنز در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به مفهومی کلیدی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت. در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی به این صورت تعریف می‌شود: مجموعه ای از نهادهای اجتماعی شامل مردم و سازمانها که به وسیله مجموعه ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصلند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزشها تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط همچون دوستی‌ها و روابط چهره به چهره متمرکز است اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتر واسط متمرکز است (معمار، ۱۳۹۱: ۱۵۷). شبکه اجتماعی مجازی شبکه ای است که اشخاص را برای ایجاد و نگهداری ارتباطات شخصی توانا می‌سازد. شبکه اجتماعی مجازی دارای فضایی است که اجازه می دهد افراد در جامعه ای جدید، به طور مجازی زندگی کنند و ضمن حفظ ارتباط خود، دوستان جدید بیابند و بستری برای برقراری ارتباط و بحث و مبادله نظر فراهم کنند.

تمرکز ما در این تحقیق بر روی انجام فعالیتهای مربوط به امور عمومی و فعالیت‌های سیاسی از قبیل یادگیری اشخاص در مورد انجام فعالیت و مشارکت سیاست محور، بحث در مورد موضوعات داغ سیاسی و اشتراک گذاری اخبار و اطلاعات سیاسی است.

۲- مشارکت سیاسی

مشارکت یکی از شاخص های توسعه سیاسی است که مفهوم عام آن به معنای شرکت در فعالیت سیاسی یا حضور در گروه یا سازمان، برای تصمیم گیری و پذیرش نقش است (مسعودنیا، ۱۳۹۰: ۱۸۰). مشارکت به طور کلی شرکت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اساسی مشارکت: فعالیت شهروندی، رای دادن و دیگر شکل‌های مشغولیت‌های انتخاباتی، تماس با مقامات عمومی، عضویت در سازمان‌های مدنی، یا حتی اعتراض و تظاهرات است. در فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی این گونه تعریف شده است: شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می کند یا بر آن اثر می‌گذارد (ابرکرامبی، ۱۳۶۷: ۲۸۶). اهمیت مفهوم مشارکت برای دموکراسی به گونه ای است که بسیاری از محققان مفهوم دموکراسی را در پیوند با مفهوم مشارکت تعریف می کنند و دموکراسی را مشارکت فعال و داوطلبانه مردم در اداره کارهای عمومی می‌دانند (عالم، ۱۳۸۳: ۲۸۴). الن دوبنوا با تاکید بر مسئله دموکراسی معتقد است که حاکمیت مردم در مشارکت عمومی متجلی می‌شود. منظور وی از مشارکت این است که فرد به تجربه شخصی خود را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

عضوی از جماعت و جزئی از کل بدن بداند و نقش فعالی را که در این گونه تعلق و وابستگی مستتر است به درستی ارائه کند (عالی زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی مشارکت سیاسی را در دو نوع متعارف و غیر متعارف تعریف می‌کنند:

۱. مشارکت سیاسی متعارف: با شرکت در احزاب و سازمان‌های رسمی، شرکت در انتخابات، حضور در راهپیمایی‌ها، گفت و گو درباره مسایل سیاسی، کمک مالی به گروه های سیاسی تعریف می‌شود. مشارکت سیاسی متعارف نیز در ذیل دو نوع بررسی می‌شود: شیوه های مشارکت سیاسی مربوط به انتخاب کردن همانند رای دادن و مبارزات انتخاباتی، و دیگر شیوه‌های مشارکتی که غیر انتخابی هستند مانند تماس‌های شهروند محور با مقامات رسمی، پیوستن به سازمان ها.

۲. مشارکت سیاسی غیر متعارف: مشارکت غیر متعارف هر گونه عمل داوطلبانه ای است که اعضای جامعه به منظور تاثیر گذاری بر نظام و جریانات سیاسی و در خارج از چارچوب های تعیین شده و رسمی توسط سازمان ها و نهادها رسمی کشور انجام می‌دهند (مسعودنیا، ۱۳۹۰: ۱۸۱). این نوع مشارکت شامل اعتصاب ها، تظاهرات خیابانی، بست نشستن‌ها، ایجاد راهبندان، و اشغال اماکن. صورت‌های کنش جمعی کم و بیش تعارض آمیز برای مطالبات اجتماعی که زندگی سیاسی را خارج از انقضای دوره های انتخاباتی به چالش می کشند.

اخیرا با پیشرفت سریع اینترنت مردم می توانند به صورت آنلاین در سیاست مشارکت کنند. همانند پیوستن به گفت‌وگوهای گروهی آنلاین یا سازمان‌های مجازی، بحث های سیاسی، گفت و گوی چهره به چهره با مقامات رسمی که اکنون به صورت وسیعی در رسانه های اجتماعی عضویت دارند، عضویت در گروه‌ها یا کانال‌های شخصیت‌های مستقل یا مطرح مانند استادان دانشگاه، کارشناسان رشته‌های مختلف، شرکت در گفت وگو هایی که برای بررسی سیاست های عمومی تشکیل شده اند.

۳- تاثیرات شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی

زیمل یکی از اندیشمندان جامعه شناسی کلاسیک، عضویت در شبکه های اجتماعی را باعث خودآگاهی و رشد فردیت در افراد می‌داند. طبق نظر زیمل هرگاه عضویت در یک یا چند حلقه اجتماعی جایش را به یک جایگاه اجتماعی در شبکه ای از حلقه‌های گوناگون اجتماعی دهد، شخصیت فرد دگرگون می‌شود. وابستگی چندگانه به انواع حلقه‌های اجتماعی به خود آگاهی بیشتری می انجامد. انشعاب تعلق گروهی یک نوع احساس منحصر به فرد بودن و آزادی را بیدار می سازد. پس وجود شبکه حلقه‌های اجتماعی پیش شرط پیدایش فردگرایی است (کوزر، ۱۳۹۰: ۲۶۴). از آنجا که هر شبکه اجتماعی مجازی می‌تواند سطح متفاوتی از اجتماعی سازی را فراهم کند با استفاده از این سطوح می‌توان آن را طبقه‌بندی کرد: سطح اول دسترسی به اطلاعات شبکه را ممکن می‌سازد. سطح دوم سبب می شود کاربران محتوای دیجیتالی را مبادله کنند و سطح سوم، امکان پیوستن و مشارکت در یک منفعت جمعی یا به عبارتی مشارکت در یک اقدام

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

هماهنگ را برقرار می‌کند و سطح چهارم باعث میشود اعضا پروفایل های خود را آشکار، شبیه سه بعدی مشاهده کنند (خلیلی،۱۳۸۸: ۱۳۵).

پس شبکه های آنلاین امروزه با این امکانات و سطح دسترسی بالا، توانایی اثر گذاری بالقوه بر فرایند مشارکت های سیاسی و اجتماعی کاربران را دارا هستند.

چهار بعد استفاده از سایت های اجتماعی شامل: تبادل اطلاعات و استفاده ابزاری، استفاده ارتباطی و شبکه سازی اجتماعی، کاربرد به صورت سرگرمی و پایه ای برای فعالیت‌های سیاسی می‌باشد. طبقه بندی زیر نیز در این خصوص قابل توجه است:

اشتراک گذاری اطلاعات: شهروندان اغلب در مراحل اولیه آن در مورد برنامه ها آگاه می‌شوند.

مشورت: شهروندان جویای نظر دیگران درباره عقایدشان می‌شوند.

همکاری: شهروندان برای مشارکت فعال در انجام امور دعوت می‌شوند.

قدرت واگذارشده: شهروندان در اجرای برنامه مسئولیت می‌گیرند.

فعالیت حرفه ای: شهروندان بنیان گذار و کنترل کننده هستند.

تحلیل‌ها، استدلالی بر خلاف این دیدگاه که اینترنت تاثیر منفی بر مدنیت و التزام سیاسی دارد پیدا کرده‌اند؛ هر چند هنوز از امکان ایجاد یک تاثیر باثبات بر روی التزام سیاسی با استفاده از اینترنت موفق نبوده‌اند. مطالعه ما بر روی شبکه اجتماعی متمرکز است که مجموعه ای است از امکان ارتباط آنلاین (چت)، بارگذاری ویدئو، فرستادن ایمیل، شکل گرفتن گروه‌های گفتگویی و اشتراک گذاری فایل‌ها.

دیدگاه ها در مورد امکان ایجاد مشارکت سیاسی با استفاده از اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی آنلاین، متفاوت است. در مطالعات مربوط به مشارکت سیاسی و سایت‌های اجتماعی دو فرض مطرح می‌شود: نخست تفاوت بین مشارکت سیاسی آنلاین و مشارکت سیاسی آفلاین و همچنین بحث‌های مربوط به مشارکت سنتی و شکل‌های جدید مشارکت. فرض دوم مربوط به نحوه استفاده کاربران شبکه‌های اجتماعی از این شبکه‌هاست. مشخص کردن نحوه استفاده مردم از این سایت‌ها تغییر بزرگی بر روی قضاوت در مورد تاثیر این شبکه‌ها بر روی مشارکت ایفا می‌کند. مردم از این شبکه‌ها برای حفظ روابطشان، ایجاد یا حفظ هویتشان، پایش اجتماعی، اشتراک اطلاعات و برای سرگرمی استفاده می‌کنند. استفاده از این ابزار تنها برای اهداف سرگرمی، تاثیر منفی بر مشارکت مدنی ایفا می‌کند و شناخت و مشارکت، موقعی دست یافتنی است که هدف استفاده از این رسانه ها، با اطلاع و آگاهانه باشد.

تحقیقات در مورد راههای مختلف دسترسی به اینترنت دو نتیجه دربر داشته است: نخست میزان استفاده از اینترنت و دوم شکل استفاده از آن. درباره میزان استفاده از اینترنت تحقیقات نشان داده است که بستگی به انگیزش‌ها، امکانات و مهارت‌های استفاده کننده دارد و همبستگی نزدیکی با سه شکاف مختلف اجتماعی دارد. نخست شکاف اجتماعی- اقتصادی: افرادی با درآمد اقتصادی و آموزش نسبتا پایین استفاده کمتری

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

از افرادی با درآمد و آموزش نسبتا بالا دارند. دوم شکاف جنسیتی: زنان کمتر از مردان از اینترنت استفاده می‌کنند. شکاف آخر شکاف سنی است. افراد مسن‌تر استفاده کمتری از این وسیله دارند.

در مورد شکل های استفاده از اینترنت تقیسم بین کسانی است که دارای علایق سیاسی هستند و از شبکه و اینترنت برای اهداف سیاسی استفاده می‌کنند و کسانی که این کار را انجام نمی‌دهند. شبکه های اجتماعی یکی از کانال هایی است که افراد از طریق آن نقش احتماعی خود را بازی می‌کنند. برای مثال جوانان برای مستحکم تر کردن ارتباطات خود و در درجاتی کمتر برای آشنایی با افراد جدید به این سایت‌ها می‌پیوندند. به علاوه این راه جدیدی است برای تبادل اطلاعات و بحث‌های موضوعی هم به صورت خصوصی هم به صورت عمومی. تعاملات منظم بین کاربران شبکه‌های اجتماعی می تواند باعث پرورش اعتماد و قواعد عمل متقابل شود که کلید اولیه برای زندگی اجتماعی هستند.

برخی از صاحبنظران، این دیدگاه‌ها را در سه بخش مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. دسته نخست محققان خوش‌بین، دسته دوم نرمالیست‌ها و دسته سوم محققان بدبین به این روند هستند. از آنجا که بین دیدگاه‌های نرمال و خوش‌بین تفاوت‌های چشم‌گیری وجود ندارد و در کل این دسته از محققان بیشتر بر جنبه‌های مثبت این موضوع ورود می‌کنند، ما در این تحقیق تنها دو دیدگاه خوش بین و بدبین را به صورت کلی یادآور می‌شویم. محققان خوش بین درباره پتانسیل رسانه‌های اجتماعی برای آسان کردن و ترویج شکل‌های جدید تعهد سیاسی و زندگی عمومی صحبت می‌کنند. این ایده را که تنها شکل‌های مشارکت، شرکت در رای دادن و فعالیت‌های انتخابات محور است، رد می‌کنند. به عنوان مثال آنها با انجام تحقیقات جدید به این ارزیابی رسیده‌اند که جوانان، تعهدات مدنی را رها نکرده‌اند و در عوض شکل‌های جدیدی از التزام سیاسی را یافته‌اند. آنها بر شکل‌های جدیدی از سیاست همچون شرکت در اجتماعات مجازی با همتایان و هم فکرانشان بر روی موضوع خاصی تاکید و استدلال می‌کنند که این مسئله تغییر از شکل‌های مشارکت انتخاب‌محور به شکل‌های مشارکت دیجیتالی است.

تغییر مشارکت از تاکید بر بسیج سیاسی نسبت به دولت یا موسسات، بر تاکید بر بسیج نسبت به موضوعات و دلایل، این تغییر به وسیله سیاست شخصی و فردی مبنا می یابد و مردم بیشتر به وسیله ارتباط شخصی با موضوعات، بازتاب سبک زندگی شخصی شان، به عنوان رابط بین ساخت هویت های سیاسی بر گرد موسسات یا ساختار رسمی بسیج می شوند. شخصی سازی سیاست با ظهور پارادایم جدید شهروندی نیز مرتبط است که جایگزین شکل قدیمی شهروندی بر مبنای وظیفه و فداکاری شده است. البته مفهوم "سیاست شخصی" با "شخصی سازی سیاسی" که مبتنی بر کاریزمای رهبران سیاسی است، متفاوت است. تکنولوژی‌های دیجیتال، شکل‌های ابداعی مشارکت مدنی را آسان کرده‌اند. این روایت باور دارد که رفتارهای مبنی بر شبکه سازی آنلاین پیوستگی مثبتی با مدنیت و مشارکت سیاسی دارند. ارزیابی انجام گرفته از خدمات جمعی داوطلبانه برای پیوستن به اعتراضات یا تظاهرات برای فعالیت های حل مسئله مثبت بوده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

توسعه سایت های شبکه اجتماعی، امکان تعداد بزرگی از بحث های مجازی را فراهم کرده‌اند. جمیز اسلوین این تکنولوژی‌ها را دروازه‌ای به سوی انواع نوین دادوستدهای اجتماعی، الگوهای جدید وابستگی‌های دو سویه و فرصت های دوباره بازسازی های سیاسی معرفی کرده است. کاستلز نیز رویکرد مثبتی به این مسئله دارد که امتیاز بزرگ شبکه، دسترسی آسان برای تمام کسانی که حرفی برای گفتن دارند، وجود دارد آن هم بی واسطه منافع قدرتمندی که رسانه های چاپی و کانال های پخش برنامه را کنترل می کنند. برای حضور در صفحه شبکه های جهانی نیاز به ثروت و قدرت نیست. استعداد رسانه‌ای نوین برای کنار گذاشتن کانال های نهادمند حاضر، به نظر شانس بسیاری از افراد را افزایش می دهد و وابستگی شان را به منابع انحصاری گوناگون اطلاعات کاهش می‌دهد (دربیکی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

در روایت دیگر محققان بدبین استدلال می کنند که پیوستگی بین استفاده از اینترنت و التزام سیاسی بسیار ضعیف بوده است. این روایت بر این پایه استوار است که استخوان‌بندی جوامع مدرن از هم گسیخته شده است. نسل جدید از سیاست و زندگی عمومی قطع رابطه کرده است. به ویژه جوانان که در جهان دیجیتال به دنیا آمده‌اند به طور فزاینده از شکل‌های مختلف سیاست رسمی مثل رای دادن و عضویت در احزاب بی‌علاقه شده است و درباره فعالیت‌های مدنی سنتی چون فعالیت‌های داوطلبانه در امور عمومی یا وظایف مدنی حس درستی ندارد. در این روایت رسانه‌های اجتماعی، نقشی مخرب دارند و مشارکت کنندگان را از تمرکز بر شکل‌های مشروع و رسمی مشارکت دور می‌کنند. پوتنام در مطالعه برجسته خود (سرمایه اجتماعی و زندگی مدنی در آمریکا ظهور و سقوط جامعه امریکا) "تصویری شکسته" از التزامات مدنی در جامعه معاصر ترسیم می‌کند. او تمایل مردم به شرکت در انجمن های مدنی و شکل‌های مشابه را پایین می‌داند. او این تغییر را به درک فزاینده از ارتباط نزولی بین فرایندهای سیاسی رسمی و مردم آمریکا میداند. پوتنام می‌نویسد: "اگر شما نقش های بازی و بازیگران را نشناسید و نگران بازخوردها نباشید. به دور از ذهن است که خودتان نقشی بازی کنید. بروس بامبر نظریه ای دارد به عنوان "پلورالیسم شتاب داده شده." این نظریه بیان می کند که نت شتاب دهنده صورت بندی گروه‌های موضوعی و کنش است. این مسئله ساختار قدرت در آمریکا را تغییر داده است. اما نه به صورت انقلابی یا تغییر کیفی به فصلی جدید از تاریخ یا دوره دموکراسی. او می گوید توسعه ارتباطات و تاثیر آن بر روی مشارکت سیاسی وابسته است به میل یا خواسته موجود شخص برای مشارکت، به این معنی که فرد خواهان مشارکت بدون اینترنت نیز این کار را انجام می‌دهد. فرهنگ سیاسی و درجه آمادگی حکومت برای تعامل با شهروندان باعث می‌شود که رسانه‌های اجتماعی پتانسیل ایجاد امکان های جدید مشارکت سیاسی را فراهم کنند. در آخر مقبولیت و اعتماد به رسانه‌های دیجیتال و استفاده از آنها برای اهداف عمومی در بین شهروندان و داشتن سواد دیجیتال پایه‌های هرگونه مشارکت دیجیتال است.

این دیدگاه معتقد است که رسانه‌های جدید، باعث پسرفت انواع گفتمان های نظر خواهانه تر و سنگین‌تر جامعه مدنی شده است. این رسانه‌ها در بازاریابی تخصصی و تقسیم توده مردم تخصص یافته‌اند، و تمایلات

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

اجتماعی وسیع تر را دچار نابسامانی و جدایی کرده اند. همچنین هابرماس نسبت به تکنولوژی‌های جدید که به گمان او تعاملات ارتباطی و بدین ترتیب اساس استدلال یک جامعه باز و دموکراتیک را نابود کرده است، بدبین است (دربیکی،۱۳۸۹: ۱۵۰). اینترنت به نوعی احساس جامعه گرایی را ترویج می‌کند اما باید منتظر ماند و دید که آیا این احساس به همبستگی منجر می‌شود یا خیر (عطاران، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

در این بخش به اشکال مختلفی که مشارکت سیاسی در شبکه های اجتماعی دارد میردازیم:

۱-۳. گروه‌های مجازی سیاسی

گروه‌های مجازی شکل گرفته در شبکه های اجتماعی از جمله کارکردهای شبکه های اجتماعی است که با ایجاد حس امنیت و آزادی بیشتر، علاوه بر جلب مشارکت بالای سیاسی، بر صراحت پیام ها در تبادلات بین گروهها نیز می افزاید (کیانپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۹). در شبکه مجازی، تعاملاتی وجود دارد که به واسطه گروه‌های خبری شبکه ای و اتاق های گفت و گو مشخص می‌شوند. در سطح جهان دهها هزار از چنین گروه‌های گفت‌وگو وجود دارد که پیوسته بسیاری از آنان از بین می روند و گروههای جدیدی تشکیل می‌شوند. همچنین کلیه اشکال مختلف ارتباط شبکه ای که توسط انواع نهادها و گروه‌ها صورت می‌گیرد، جنبه مهمی از این ارتباطات افراد با یکدیگر در سطح وسیع است. مردم با یکدیگر نه تنها برای گفت و گو بلکه برای انجام کار در جهت اهداف سیاسی ارتباط برقرار می‌کنند. البته استفاده از اینترنت برای اهداف سیاسی و جست و جوی اطلاعات جدی در اقلیت قرار دارد. وقتی افراد درگیر گروهها و انجمن های داوطلبانه می‌شوند، هم از نظر فردی و هم از نظر اجتماعی منفعت می برند. در حال حاضر اینترنت در حال تغییر راههایی است که ما با هم ارتباط برقرار و سازماندهی می‌کنیم و اجتماعی می شویم و به ویژه انقلاب اینترنت باعث ایجاد گروههای آنلاین شده است که در کارکرد شبیه گروههای آفلاین هستند.

امروزه همزمان با کاهش شکل گیری گروههای آفلاین؛ گروههای آنلاین در حال رشد هستند. تحقیقات نشان داده است که عضویت در گروههای آنلاین باعث افزایش مشارکت سیاسی آفلاین شده است. عضویت در این گروها باعث رشد التزامات سیاسی از طریق چندین مکانیسم شده است. عضویت در گروه، باعث باز شدن راه برای بحث و مکالمه می شود که جزء جدا ناشدنی فرآیند یادگیری و منجر به تصمیم سازی و افزایش سطح مشارکت می شود. این گروهها باعث تبدیل شدن شبکه ها به مرکزی برای تبادل اطلاعات و کم هزینه تر کردن بحث ها و مناظرات می شود. این گروها با کم ترین امکانات مادی و مقرارت دست و پاگیر، باعث اشتراک ارزش ها و ایده ها می‌شود. در جهت دیگر اینترنت ممکن است باعث بالارفتن امکان "ظاهر شدن گزینشی" شود. جریانی که به وسیله آن افراد با گزینش‌گری پیام های دلخواه خود، خودشان را بیشتر در معرض دید قرار می دهند. با این مزیت گزینش گری، افراد در جریان

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

وب‌گردی تنها گروههایی را انتخاب می‌کنند که در بحث‌های سیاسی با آنها هم رای باشند. بنابراین گروههای آنلاین ممکن است منجر به کوتاه بینی های ایدئولوژیکی شود.

زمان رویارویی (چهره به چهره) مولفه مهمی برای ترغیب افراد به مشارکت است. برخوردهای فیزیکی باعث شکل گیری اعتماد افراد به هم می شود. چون اینترنت باعث نمیشود افراد با هم برخورد فیزیکی داشته، یا باعث افزایش مسئولیت پذیری افراد نمیشود، به طور بالقوه باعث آسیب به تاثیرات همبستگی افراد می شود. البته برخی محققان اعتقاد دارند که دو شکل ارتباط آنلاین و آفلاین بسیار شبیه هم و حتی مکمل همدیگر هستند. هر چند تاثیر گذاری گروههای آنلاین وابسته به نوع بحث و کیفیت نظرات ارائه داده شده است.

۲-۳. بحث‌های سیاسی مجازی

بحث سیاسی به جزئی از یک مذاکره یا گفت و گوی سیاسی گفته می‌شود که بین دو نفر از اعضای غیرنخبه جامعه سیاسی روی می‌دهد. مذاکرات سیاسی نه تنها باعث مبادله اطلاعات می‌شود، بلکه چارچوبی تفسیری برای تفسیر اطلاعات ارائه می‌دهد. با اشاعه اینترنت، بحث های رایانه ای نیز به بحث‌های چهره به چهره افزوده شده است، بحث های آفلاین به صورت بصری است و بحث‌های آنلاین به صورت نوشته و شاید غیر همزمان و در شرایط گمنامی است. اگر گمنام بودن هزینه‌های بحث سیاسی را پایین آورد و باعث انتقال بهتر مفاهیم به صورت نوشته شود، باعث بالارفتن امکان مشارکت سیاسی می شود و برعکس اگر گمنامی باعث تبادلات غیر متمدنانه شود و محتوای وب باعث حواس پرتی افراد شود بحث‌های آنلاین باعث تاثیر کمتر از بحث‌های چهره به چهره می شود.

بحث‌ها بین افراد مختلف با درجه صمیمیت بالا و پایین نیز در این فرایند رخ می دهند. بحث‌های میان دوستان معمولا با اعتماد، احترام، نفوذ و احترام متقابل است. اما بحث کردن با بازدیدکننده ها و غریبه ها از صمیمت کمی برخوردار است. درجه همبستگی قوی شبکه ها یا همبستگی ضعیف شبکه‌ها به عنوان دو نوع از بحث های شبکه ای مطرح است که تاثیر متفاوتی بر مشارکت سیاسی دارد. مطالعات نشان داده است که همبستگی قوی شبکه‌ها عامل کلیدی برای یارگیری سیاسی و مشارکت است. برخی عکس این تحلیل را انجام می دهند.

در قلمرو سیاسی، همبستگی کم باعث جابه‌جایی اطلاعات، تحریک سیاسی و عرضه فرصت های جدید برای مشارکت می شود. ویژگی مشخص بحث های شبکه ای توسعه مشارکت سیاسی آنلاین است و این بحث‌ها جزء مهمی برای تعهدات مدنی شهروندان است. بنابراین موافقت یا مخالفت در این بحث ها دو مسئله متضاد با هم نیستند. هر دو به یک اندازه بر مشارکت سیاسی افراد تاثیر گذار است. پس بحث های گروهی سیاسی می تواند باعث وحدت و انسجام بین افراد شود و از هم گسیختگی و ذره‌ای شدن افراد که موجب کم اثر شدن فرد و انفعال سیاسی می شود جلوگیری شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

۳-۳. اخبار سیاسی آنلاین

تحقیقات انجام شده نشان داده است کاربرانی که از شبکه های اجتماعی به دلایل سیاسی استفاده کرده‌اند (بازدید از صفحه کاندیداها، فرستادن پیام برای آنها) برای مشارکت در فعالیت های مدنی علاقه‌مندتر بوده‌اند. شبکه های اجتماعی برتری ویژه ای برای راهپیمایی‌های انتخاباتی دارند. این شبکه ها اهمیت زیادی برای کاربران به مثابه منبع اطلاعات سیاسی به خصوص برای جوانان دارد. همچنین کاربران شبکه‌های اجتماعی اعتبار اخبار شبکه‌های اجتماعی را بالا و با اعتبار ارزیابی کرده اند. کسانی که بیشتر اخبار آنلاین را مطالعه می کردند، بیشتر علاقه‌مند به دیگر شکل‌های مشارکت آفلاین از خود نشان داده‌اند. شبکه های اجتماعی مکان هایی هستند که بیشترین حجم اطلاعات و اخبار در آنان مبادله می‌شود اما ممکن است درصد کمی از آن مربوط به امور عمومی است یا همانند تلویزیون محتوای بیشتری مربوط به سرگرمی است و بخش اخبار کوتاه است. البته با این تفاوت که سایت های شبکه اجتماعی با زندگی خصوصی در هم پیوسته است.

مردم مطمئنا از شبکه های اجتماعی بیشتر برای ساخت هویت شخصی، روابط اجتماعی یا سرگرمی استفاده می‌کنند. هرچند هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که مردم نتوانند از این شبکه‌ها برای امور عمومی استفاده کنند. شواهد یک مورد مطالعه در انتخابات سال ۲۰۰۸ آمریکا وجود دارد که در آن مردم اخبار گوناگون را از سازمان‌های خبری مختلف مانند هافینگتون، نیویورک تایمز و سی ان ان، در پروفایل های خود منتشر می کردند. بر این اساس شبکه های اجتماعی می توانند برای دسترسی به اخبار مورد استفاده قرار گیرند و این امر باعث بالا رفتن سرمایه اجتماعی فرد و تاثیر مثبت بر روی مشارکت و التزام سیاسی هم در حالت آفلاین و هم در حالت آنلاین دارد. پس طبق این فرض هویت سیاسی افراد و جهت گیری روانشناختی آنان تاثیر زیادی بر روی تمایل آنان برای پیوستن به مشارکت های مدنی و فعالیت های سیاسی دارد.

شکل استفاده از رسانه برای کسب اطلاعات یا ساخت اجتماعی، کمک مثبتی برای مشارکت مدنی دارد. به همین ترتیب، استفاده از رسانه برای سرگرمی مانند تماشای شوهای آنلاین و فیلم ها، تاثیر منفی بر التزامات مدنی دارد. رسانه خبری مانند برنامه های اخبار می تواند رفتارهای مدنی را با استفاده از استدلال ها و اطلاع از جزئیات رویدادها گسترش دهد. فرایند ارتباط بین افراد با استفاده از مبادله اطلاعات بر رفتار و جهت‌گیری فکری مردم تاثیر زیادی دارد.

از راههای مختلفی می توان از رسانه های اجتماعی برای مشارکت سیاسی استفاده کرد که می‌توان آنها را طبق نحوه جهت دهی تعاملات (حکومت با شهروندان یا شهروندان با حکومت) تقسیم بندی کرد.

٤-۳. جنبش(پویش) اجتماعی در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی

جنبش‌های اجتماعی از جمله کنش‌ها و تعاملاتی است که از پایین به بالا و برای تاثیر گذاری بر حکومت، طبق علایق شرکت کنندگان است. مبارزات نمادین برای درک جهان اجتماعی می تواند دو شکل متفاوت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

به خود بگیرد. از جنبه عینی می تواند از طریق کنش های بازنمایی فردی یا جمعی به قصد نمایان کردن و ارزش دادن به برخی از واقعیت ها باشد (بون ویتز، ۱۳۸۹: ۱۱۴). در جنبش‌های اجتماعی معاصر توجه بر آنچه زیست- جهان نامیده می شود، عواملی چون هویت، زندگی شخصی، همسایگی، جنسیت و روش زندگی تمرکز یافته است و در حوزه سیاست نیز دنبال تغییرات اساسی در نحوه زندگی اجتماعی، به خصوص در حوزه دموکراسی و جامعه مدنی هستند. یک جنبش اجتماعی شبکه ای از تعاملات غیر رسمی بین افراد، گروهها یا سازمانهاست که بر مبنای یک هویت جمعی مشترک در برخوردی سیاسی و فرهنگی درگیر هستند (نش، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

رسانه های اجتماعی از چند طریق می توانند بر جنبش های اعتراضی تاثیر بگذارند: نخست رسانه اجتماعی می توانند با سرعت بسیار زیادی به شکل گیری جنبش کمک کنند. دوم رسانه اجتماعی می‌تواند نقش با اهمیتی در به کار گیری افراد در جنبش بازی کند. سوم وقتی جنبش کاملا در حال نوسان است، رسانه می‌تواند اطلاعات مخاطبان در مورد آنان را گسترش دهد. رسانه اجتماعی میتواند دریافت اطلاعات برای محاسبه هزینه های بالقوه یا مزایای مشارکت در جنبش را مشخص نماید و رسانه‌ها امروزه به راحتی می‌توانند با فشار یک دکمه صفحه کلید کامپیوتر یا گوشی هوشمند، پیام های افراد درگیر در جنبش را به صدها و هزاران فرد برساند. به علاوه این افکار از طریق شبکه هایی که خود افراد آنها را ساخته اند مانند شبکه های دوستان، در شبکه های اجتماعی منتقل می‌شوند. وقتی این اطلاع‌یابی‌ها از طریق این شبکه های شخصی انتقال داده می‌شوند، درجه تاثیر آن بر روی افراد بسیار بیشتر از آن است که بخواهند از طریق اخبار آگاهی پیدا کنند. سازماندهی جنبش‌ها از طریق امکان ایجاد انجمن‌های مجازی به آسانی انجام می‌شود. این رسانه ها می توانند با تسهیم اطلاعات، کارکردهای مختلف را برای افراد متفاوت تعیین نمایند، رژیم ها را وادار به پاسخ گویی کنند، اطلاعات مختلف را برای مقابله با پلیس ضد شورش انجام دهند و کمک های پزشکی را برای آسیب دیدگان به سرعت فراهم نمایند.

در زمان‌هایی که بازتاب تحولات فضای مجازی در قالب سیاست به معنای سنتی آن نمود نمی یابد، بلافاصله سخن از انسداد سیاسی یا پوپولیسم محکوم به شکست به میان می آید یا تحلیل‌ها در چارچوب بدبینی ناشی از عدم سازماندهی و یکسانی مطالبات و در نتیجه در نظر نگرفتن جایگاه برای آنان در سیاست رقم می خورد. لذا نمی توان پذیرفت جنبش هایی که در محیط مجازی شبکه های اجتماعی رشد کرده اند در سیاست نقش تعیین کننده ای دارد. در عین حال انسداد سیاسی را در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی به گونه ای تعریف می‌کنند که انگار نمی تواند تولد حوزه های جدید برای عرض اندام سیاسی یافت و تنها سیاست را باید در نهایت در پای میز مذاکره و دادوستد های معمول سیاسی در فضاهای از پیش تعیین شده به دست آورد (دربیکی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

۵-۳. حکومتداری خوب

مفهوم حکمرانی خوب بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی سیاسی استوار است که حکومت‌ها به جای آن که به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه خود را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و سازمانهای مردم نهاد، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه خود محسوب شوند. رسانه های اجتماعی، قابلیت عرضه طیف بالقوه ای از حکومت‌داری ابتکاری و یافتن راههای جدیدی برای تعامل حکومت و شهروندان را دارا هستند، مانند استماع خواست شهروندان و عقایدشان و همچنین درگیر کردن آنان در تعیین دستور کار و فرآیند تصمیم گیری. همچنین با گسترش شفافیت و مسئولیت پذیری و بهبود خدمات اجتماع محور، بیشترین پتانسیل استفاده از رسانه های اجتماعی برای حکمرانی خوب، قدرت گرفتن ارتباط مستقیم و تعامل بین حکومت و شهروندان است. حکومت ها می توانند بدون فیلتر رسانه‌های جمعی، به شهروندان دسترسی داشته باشند. این رسانه ها منبعی مجازی از اطلاعات هستند برای حکومت هایی که می خواهند وظایفشان را بر اساس تدبیر انجام دهند. رسانه اجتماعی می تواند در مراحل مختلفی از فرایند حکومت داری خوب به کار برده شود. همچون تعیین دستور کار، ایجاد علاقه عمومی به مشکلات عمومی یا استفاده از رسانه اجتماعی برای جمع آوری نظرات یا ایده‌ها برای درگیرکردن شهروندان در فرآیند تعیین دستور کار و تعریف موضوعات مربوط به حوزه عمومی.

طرح کردن خط مشی‌ها: رسانه ها برای مطلع کردن و مشورت با عموم و جمع آوری ورودی برای تدوین خط مشی های جدید به کار برده می شوند.

نظارت و ارزشیابی: رسانه های اجتماعی را می توان برای دیده شدن نظرات و پایش آنها به کارگرفت. حکمرانی، پیامد تعامل دولت و شهروندان از طریق فرآیند سیاسی، توسعه سیاستگذاری، طراحی برنامه و ارایه خدمت است. شبکه های اجتماعی با افزایش شفافیت حکومت، باعث قوی‌تر شدن شهروندان در مقابل حکومت می شوند. با استفاده از اطلاعات تعبیه شده در رسانه ها و شبکه های اجتماعی، شهروندان دسترسی بی سابقه ای به حکومت ها پیدا کرده اند. این مسئله باعث نزدیکی فرهنگی مردم و حکومت ها می‌شود. همکاری نزدیک حکومت و شهروندان باعث می شود دستگاههای حکومتی و شهروندان به سرعت تغییرات و خط مشی های حکومتی را هماهنگ کنند. این شبکه ها این پتانسیل را دارند که باعث کاهش فساد و قدرتمندتر شدن شهروندان در فرایند تصمیم سازی باشند و باعث قوی تر شدن سیستم کنترل و توازن شود. البته این مسئله وابسته به بخش های مختلفی اعم از بازیگران فردی، سازمان ها و سیستم سیاسی اقتصادی است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

نتیجه‌گیری

با تغییر ویژگی‌های ارتباطی افراد جامعه، از طریق رسانه های نوین اجتماعی، همچون شبکه‌های اجتماعی، میزان و نحوه مشارکت افراد جامعه در فرایند های سیاسی نیز متفاوت تر از قبل است. مشارکت افراد جامعه به شکل کنش ها یا تصمیمات سیاسی روز به روز با تعاریف سنتی انجام گرفته از این مفهوم متفاوت تر می‌شود و ویژگی‌های جدیدی پیدا می کند که مطابق با زندگی و سطح فرهنگی شهروندان جوامع جدید است. شیوه های مشارکت افراد به طور روزافزونی به سوی سیاست های شخصی و مطابق با زندگی شخصی افراد سامان می‌گیرد و بدبینی به رسانه های جمعی و سنتی همچون تلویزیون و بنگاه ها و موسساتی که خواهان کنترل بر روند زندگی افراد هستند، باعث روی آوردن بیشتر افراد جوامع اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه، به سوی شبکه های اجتماعی و شرکت در زندگی مجازی و زندگی مطابق با افکار و اخلاقیات خود شده است. به طبع این شیوه از شبکه بندی اجتماعی، بر روند های سیاسی جامعه و تعاملات شهروندان با حکومت یا حکومت با شهروندان تاثیر زیادی گذاشته است. رشد روز افزون جنبش‌های نوین اجتماعی، ناشی از شخصی شدن روند سیاست و تاثیر زیاد شبکه های اجتماعی بر روی این روند است. به گونه ای که با استفاده از این شبکه ها سازمان یابی و هویت گیری مشترک افراد درگیر در این گروهها و یارگیری برای جنبش بسیار سهل و آسان شده و تاثیر مشارکت سیاسی افراد در این شبکه ها، در جنبش ها بسیار آشکار است.

قابلیت‌های شبکه های اجتماعی، امکانی بی نظیر را برای افراد ایجاد کرده تا بتوانند به آسانی از سراسر مرزهای کشورها یا حتی فراتر از مرزها به عنوان یک جامعه مطرح شوند و امکان ارتباط و تعامل با هم و با اشتراک علایق و مشکلاتشان به نزدیکی فکری بیشتری دست یابند. افراد و کاربران از طریق امکان گفت و گوهای آنلاین با افراد مختلف با علایق و طبقات گوناگون یا مناظرات با مخالفان فکری خود، علایقشان تراش خورده و صیقل یابد و از این میان محرک های بیشتری برای شرکت در سیاست و فعالیت های مدنی پیدا کنند. البته خوش بینی محض به این شبکه ها نمی تواند محدودیت های این شبکه ها چه از نظر امکانات یا از جنبه زمینه یا فرهنگی که کاربران در آن زمینه قرار دارند را نادیده بگیرد.

بسیاری از محققان این شبکه ها را تنها ابزاری می بینند که می تواند با ادغام در زمینه فرهنگی و ساختار اجتماعی که کاربران در آن قرار دارند جنبه مثبت یا منفی بر مشارکت سیاسی ایفا کند. زیرا در بسیاری از جوامع، کاربران حتی نمی توانند آزادانه و بدون ترس از هزینه های سیاسی، در این شبکه ها مشارکت کنند و مشارکت در این شبکه ها تنها محدود به اهداف سرگرم کننده و برخی اوقات مخل روند گذار به دموکراسی است. در برخی از مناطق همچون روستاها نیز کمبود امکانات ارتباطی باعث نابرابری بین این جوامع و جوامع شهری و برخوردار شده است و این جوامع روز به روز از هم دورتر و بیگانه‌تر می‌شوند.

اختلاف بین محققان در مورد اثرات شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی چه به عنوان نقش مختل کننده یا نقش مثبت، باعث واقع بینی بسیار بیشتر از قبل شده است و محققان بدون پیش داوری و هیجان

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

زدگی، نقش این شبکه ها بر فرایند دموکراتیک کردن جامعه یا روند گذار جوامع به دموکراسی را مورد بررسی قرار می دهند و جنبه های مثبت و منفی این شبکه ها بیش از پیش آشکار شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اسلوین، جیمز (۱۳۸۰)، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران: نشر کتابدار.

اکسفورد، بری، هاگینز، ریچارد (۱۳۸۵)، رسانه‌های جدید و سیاست، ترجمه بابک دربیکی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

ـ آبرکرامبی، نیکلاس، استفن هیل و برایان اس. ترنر (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: نشر چاپ پخش.

ـ بابایی، محمود، فهیمی فر، سپیده(۱۳۹۲)، ویژگی‌های رسانه‌های نوین و الگوهای ارتباطی، فصلنامه مطالعات ملی و کتابداری و سازماندهی اطلاعات، سال چهارم، شماره ۲۴.

ـ بون ویتز، پاتریس (۱۳۸۹)، درس هایی از جامعه شناسی پییر بوردیو، ترجمه: جهانگیر جهانگیری، حسن پورسفیر، تهران: نشر آگه.

ـ حافظ نیا، محمدرضا، قالیباف، محمدباقر، ملاحسینی اردکانی، رضا(۱۳۹۱)، قابلیت هایر فناوری اطلاعات در اجرای دموکراسی مستقیم، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم.

ـ خلیلی، محمد (۱۳۸۸)، تاثیر شبکه های اجتماعی بر جوانان، سایت آفتاب قابل دسترس در:

http://www.aftabir.com/articles/view/social/communications/c4_1388295747pf1.php

ـ دربیکی، بابک (۱۳۸۹)، مشارکت رسانه های جدید در قلمرو سیاست. نشریه پژوهشنامه رسانه و مشارکت سیاسی، شماره پنجاهم. قابل دسترس در:

http://csr.ir/departemants.aspx?abtd=05&&depid=62&semid=441.

ـ دورماگن، ژان ایو، موشار، دانیل (۱۳۸۹)، مبانی جامعه شناسی سیاسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر آگه.

ـ سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۸)، اینترنت، جنبش‌های اجتماعی و بسیج اعتراض ها: بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی، پژوهش های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۴.

ـ عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

ـ عالی زاده، اسماعیل (۱۳۸۷)، مشارکت سیاسی و تنوع رفتار رای‌دهندگان، نشریه فرهنگ اندیشه، سال هفتم، شماره ۲۶.

ـ کوزر، لوئیس (۱۳۹۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.

ـ مسعود نیا، حسین، محمود اوغلی، رضا، رهبر قاضی محمود رضا، فروغی، عاطفه (۱۳۹۰)، بررسی رابطه مصرف اینترنت با رویکرد و مشارکت سیاسی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، سال ۱۴، شماره های ۳۴-۳۵.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

ـ نش، کیت (۱۳۸۷)، جامعه شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

ـ اسلامی، مروارید (۱۳۸۹)، بررسی شبکه‌های اجتماعی و تاثیرات آن‌ها بر ابعاد مختلف زندگی، قابل دسترسی در: Http://civilica.com/paper-nopadid01_nopadid01_018.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]